

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

شفاعت خواهی از اولیاء خدا

بخش «۱»

دوره یازدهم، شماره نهم

نام جزوه: شفاعت خواهی از اولیاء خدا (بخش ۱)

نویسنده: هیأت تحریریه موسسه در راه حق

ناشر: موسسه در راه حق

نوبت چاپ: مکرر

تاریخ چاپ: ۱۳۹۷ هـ ش

چاپخانه: سلمان فارسی

نشانی: قم، خیابان آیت الله مرعشی نجفی (ارم)

کوچه ۲۰ - پلاک ۱۰ - موسسه در راه حق

تلفن: ۲-۳۷۷۴۳۲۲۱ (۰۲۵)

[www.darrahehaq.com](http://www.darrahehaq.com)

سامانه پاسخگویی پیامکی: ۱۰۰۰۲۲۲۳۳۳

رایگان

٤ / شفاعت خواهی از اولیاء خدا (بخش ١)

### فهرست مطالب

- ۵ ..... شفاعت از دیدگاه قرآن
- ۷ ..... آیات مربوط به شفاعت چند گروهند؟
- ۷ ..... گروه اول
- ۱۶ ..... گروه دوم
- ۲۰ ..... گروه سوم
- ۲۵ ..... گروه چهارم
- ۲۹ ..... گروه پنجم
- ۳۴ ..... گروه ششم
- ۳۸ ..... گروه هفتم

## شفاعت از دیدگاه قرآن

ماده شفاعت و مشتقات آن در قرآن مجید در بیست و شش آیه آمده است که بیست و چهار آیه آن، مربوط به شفاعت مورد بحث ما می باشد؛ و واضح است که کثرت آیات قرآن مجید، در یک موضوع حاکی از اهمیت آن است.

نتیجه گیری صحیح از آیات شفاعت به این بستگی دارد که تمام آیات مربوط به آن به دقت مورد بررسی قرار گیرد و از مجموع، نتیجه واحدی که هدف همه آنها است گرفته شود.

بسیار خطا است که از میان همه آیات مربوط به شفاعت یک آیه را که در نظر ابتدایی بر نفی شفاعت دلالت می کند، یاد کنیم و آن را دلیل نفی

## ۶ / شفاعت خواهی از اولیاء خدا (بخش ۱)

شفاعت بدانیم و از آیات دیگر چشم پوشیم. لغزش هایی که در مسأله شفاعت و امثال آن وجود دارد بیشتر معلول یک چنین تبعیض های ناروا است که آیه ای را بگیریم و از آیات دیگری که می توانند مفسّر و قرینه بر مراد از آن آیه باشند غفلت ورزیم. پیامبر گرامی (صلی الله علیه وآله) می فرماید:

**ان القرآن یصدق بعضه بعضا؛**

برخی از قرآن برخی دیگر را تصدیق می کند.

امیر مؤمنان (علیه السلام) می فرماید:

**و ینطق بعضه ببعض و یشهد بعضه علی بعض؛<sup>۱</sup>**

---

۱. نهج البلاغه، عبده، ج ۲، ص ۲۳، خ ۱۲۹، فیض الاسلام،

دوره یازدهم، شماره نهم / ۷

کتاب خدا بعضی (به کمک بعضی) سخن  
می‌گوید و برخی از آن بر برخی دیگر گواهی  
می‌دهد.

بنابراین هرگز نباید در اخذ نتیجه و تشریح  
هدف آیات مربوط به شفاعت فقط به یک آیه چشم  
دوخته و از آیات دیگر چشم‌پوشیم. زیرا ابهام و  
اجمال برخی از آیات به وسیله برخی دیگر برطرف  
می‌شود.

**آیات مربوط به شفاعت چند گروه‌اند؟**

### **گروه اول**

آیه‌ای است که در نظر ابتدایی به طور کلی وجود  
شفاعت در روز رستاخیز را نفی می‌کند و می‌گوید در

۸ / شفاعت خواهی از اولیاء خدا (بخش ۱)

آن روز شفاعت و دوستی وجود ندارد و آن این است:

يا ايها الذين آمنوا انفقوا مما رزقناكم من قبل ان  
ياتى يوم لا بيع فيه و لا خلة و لا شفاعة و الكافرون هم  
الظالمون؛<sup>۱</sup>

ای افراد باایمان از آنچه ما روزی شما کردیم  
انفاق کنید. پیش از آن که روزی فرارسد که در آن  
دادوستد و پیوند دوستی و شفاعت وجود ندارد و  
افراد کافر ستمگران‌اند.

جمله «و لا شفاعة» برای کسانی که می‌خواهند  
شفاعت را نفی کنند، مستمسکی شده است. ولی با



دوره یازدهم، شماره نهم / ۹

توجه به نکات زیر روشن می‌شود که مفاد آیه نفی مطلق شفاعت نیست.

اولاً: همان‌طور که گفته شد توجه به یک آیه و چشم‌پوشی از آیات دیگر که می‌توانند مفسّر و توضیح‌دهنده آن آیه باشند، صحیح نیست. زیرا مجموع آیات مربوط به یک موضوع هدف واحدی را تعقیب می‌کنند و تا همه آن‌ها در نظر گرفته نشود هرگز نمی‌توان مقصود نهایی قرآن را در آن موضوع تعیین کرد.

مثلاً در همین مورد که به نظر ابتدایی پنداشته می‌شود قرآن وجود شفاعت در روز رستاخیز را به‌طور کلی نفی می‌کند. بلافاصله در آیه بعد که همان آیه معروف به «آیه الكرسي» است به وجود شفاعت

۱۰ / شفاعت خواهی از اولیاء خدا (بخش ۱)

کنندگان که در آن روزبه اذن خداوند گروهی را  
شفاعت خواهند کرد تصریح می نماید.

من ذا الذی یشفع عنده الاباذنه؛<sup>۱</sup>

کیست که پیش او شفاعت کند جز به اذن او؟  
باوجود چنین قرینه پیوسته به آیه و با قرائن  
فراوانی که در آیات دیگر وجود دارد دانسته می شود  
که مفاد آیه غیر آن است که در وهله اول به نظر  
می رسد، یعنی مقصود نفی مطلق شفاعت نیست.

ثانیاً: گواه بر اینکه مقصود نفی مطلق شفاعت  
نیست همان جمله «ولا خلّة» دوستی نیست، می باشد.  
زیرا ظاهر این جمله این است که پیوند دوستی  
همه افراد در روز رستاخیز ازهم گسسته می شود.

---

۱. سوره بقره، آیه ۲۵۵.

دوره یازدهم، شماره نهم / ۱۱

در صورتی که از آیه دیگر استفاده می شود، تنها پیوند دوستی افراد کافر و غیر پرهیزکار از هم گسسته می شود. اما پیوند دوستی افراد باایمان پرهیزکار به شکلی که در دنیا بوده باقی می ماند. آن آیه این است:

الْأَخِلَاءُ يَوْمَئِذٍ بَعْضُهُمْ لِبَعْضٍ عَدُوٌّ إِلَّا الْمُتَّقِينَ<sup>۱</sup>

دوستان در روز بازپسین دشمنان همدیگرند مگر افراد پرهیزکار (که پیوند دوستی آنان باقی می ماند).

هرچند ظاهر استثناء در «الا المتقين» این است که پرهیزکاران دشمن یکدیگر نیستند، ولی پس از دقت استفاده می شود که نه تنها دشمن یکدیگر نیستند بلکه پیوند دوستی آنان باقی می ماند.

## ۱۲ / شفاعت خواهی از اولیاء خدا (بخش ۱)

زیرا علت از هم گسستن پیوند دوستی کافران و گنه کاران و دشمن شدن آنان نسبت به یکدیگر این است که دوستی آنان در دنیا مایه گمراهی یکدیگر شده است، برعکس دوستی افراد پرهیزگار نه تنها مایه گمراهی نبوده، بلکه مایه راهنمایی و وسیله موفقیت همدیگر محسوب می شده است - با توجه به این اصل - می توان گفت هدف آیه، تنها بیان دشمن نبودن افراد پرهیزکار نسبت به یکدیگر نیست، بلکه اشاره به بقاء پیوند دوستی آنان نیز می باشد.

خلاصه همان طور که نمی توان ظاهر جمله «ولا خلة» را گرفت و گفت در روز بازپسین پیوند دوستی تمام افراد اعم از پرهیزکار و غیره از هم گسسته می شود. زیرا در آیه دیگر به بقاء پیوند دوستی

دوره یازدهم، شماره نهم / ۱۳

پرهیزکاران اشاره شده است. همچنین نمی توان جمله «و لا شفاعة» را دلیل بر نفی مطلق شفاعت گرفت. زیرا در آیات بسیاری به وجود شفاعت در روز رستاخیز (البته با شرایط خاص) تصریح شده است.

ثالثاً: مقصود از انفاق در این آیه همان پرداختن

زکات است و اینکه در ذیل آیه فرموده است:

وَالْكَافِرُونَ هُمُ الظَّالِمُونَ؛<sup>۱</sup>

گویا مقصود این است که بیان شود سرپیچی از

پرداخت زکات به منزله کفر است. همچنان که در آیه

مربوط به فریضه حج می فرماید:

وَمَنْ كَفَرَ فَإِنَّ اللَّهَ غَنِيٌّ عَنِ الْعَالَمِينَ؛<sup>۲</sup>

---

۱. سوره بقره، آیه ۲۵۴.

۲. سوره آل عمران، آیه ۹۷.

## ۱۴ / شفاعت خواهی از اولیاء خدا (بخش ۱)

هر کس کفر بورزد خداوند از جهانیان بی‌نیاز است.

جمله «و من کفر» به جای «و من لم یحج» گفته شده است تا این مطلب را بفهماند که فریضه حج آن‌چنان اهمیّت دارد که تارک آن به منزله کافر به خدا تلقی می‌گردد.

با توجّه به این مطلب می‌توان گفت آیه ناظر به نفی شفاعت از آن گروهی است که یا اصلاً ایمان به خدا ندارند و در اثر بی‌ایمانی از پرداخت زکات که یک فریضه بزرگ اسلام است، سرپیچی می‌کنند و یا ایمان آنان، آن‌چنان ضعیف است که آنان را در ردیف کافران قرار داده است و روشن است که شفاعت، شفاعت کنندگان درباره گروهی است که

دوره یازدهم، شماره نهم / ۱۵

قابلیت شفاعت را داشته باشند. یعنی ایمان به خدا و ارتباط معنوی آنان با عزیزان درگاه الهی محفوظ باشد و کسانی که ایمان به خدا نداشته باشند از شفاعت بهره‌ای نخواهند داشت.

با این سه بیان روشن شد که آیه یادشده دلالت بر نفی مطلق شفاعت ندارد و از آیاتی است که برخی از شفاعت‌ها را نفی می‌کند و در حقیقت این آیه باید از آیات گروه سوم که پس‌ازاین خواهیم خواند محسوب گردد.

بنابراین در قرآن آیه‌ای که شفاعت را به‌طورکلی نفی کند وجود ندارد.

### گروه دوم

آیاتی است که شفاعت مورد نظر یهود را نفی می‌کند. زیرا آنان درباره شفاعت عقیده خاصی داشتند که هم‌اکنون توضیح داده می‌شود. آیات مربوط به این گروه عبارت‌اند از دو آیه:

۱. **وَاتَّقُوا يَوْمًا لَا تَجْزِي نَفْسٌ عَنْ نَفْسٍ شَيْئًا وَلَا يُقْبَلُ مِنْهَا شَفَاعَةٌ وَلَا يُؤْخَذُ مِنْهَا عَدْلٌ وَلَا هُمْ يُنصَرُونَ؛<sup>۱</sup>**

از آن روز بترسید که کسی از کسی مجازات و عذاب را بر نمی‌دارد و از کسی شفاعت پذیرفته نمی‌شود و از کسی غرامت و بدل گرفته نمی‌شود و آنان یاری نمی‌شوند.



دوره یازدهم، شماره نهم / ۱۷

۲ وَاتَّقُوا يَوْمًا لَا تَجْزِي نَفْسٌ عَنْ نَفْسٍ شَيْئًا وَلَا يُقْبَلُ مِنْهَا شَفَاعَةٌ وَلَا يُؤْخَذُ مِنْهَا عَدْلٌ وَلَا هُمْ يُنصَرُونَ؛<sup>۱</sup>

از آن روز بترسید که کسی از کسی مجازات و عذاب را بر نمی‌دارد و از کسی غرامت و بدل پذیرفته نمی‌شود و شفاعت کسی را سود نمی‌دهد و آنان یاری نمی‌شوند.

این دو آیه به گواهی آیه‌ای که پیش از هردوی آنها هست مربوط به نفی شفاعتی است که یهود درباره خویش معتقد بودند و جمله «و اتقوا» در هر دو آیه خطاب به آنان است و آیه ما قبل هر دو آیه این است:

۱۸ / شفاعت خواهی از اولیاء خدا (بخش ۱)

يَا بَنِي إِسْرَائِيلَ اذْكُرُوا نِعْمَتِيَ الَّتِي أَنْعَمْتُ عَلَيْكُمْ  
وَأَنِّي فَضَّلْتُكُمْ عَلَى الْعَالَمِينَ؛<sup>۱</sup>

ای فرزندان اسرائیل نعمت‌های مرا که بر شما  
ارزانی داشته‌ام و نیز اینکه شما را بر جهانیان برتری  
دادم به خاطر بیاورید.

بنابراین باید گفت این دو آیه که پذیرفته شدن  
و سودمند بودن شفاعت را نفی می‌کند ناظر به  
شفاعتی است که فرزندان اسرائیل درباره خویش  
معتقد بودند و می‌گفتند ما فرزندان پیامبران هستیم و  
هراندازه بار گناه ما سنگین باشد، پدران ما در حق ما  
شفاعت می‌کنند.

---

۱. سوره بقره، آیات ۴۷ و ۱۲۲.

دوره یازدهم، شماره نهم / ۱۹

اعتقاد به چنین شفاعتی که در اثر آن دست فرزندان اسرائیل در انجام هر نوع کار زشت باز باشد و انتساب آنان به پیامبران کافی باشد برای اینکه آنان را شفاعت کنند، شدیداً مورد انکار قرآن مجید است. زیرا قرآن مجید زیربنای نجات را ایمان و عمل صالح می‌داند نه انتساب و پیوند خویشاوندی. ازاین رو در این دو آیه شفاعت موردنظر آنان را نفی می‌کند نه اینکه شفاعت را به‌طور کلی نفی کند.

ازاین جهت هنگامی که مفسران قرآن کریم به این دو آیه می‌رسند می‌گویند: این دو آیه مربوط به نفی شفاعتی است که یهود درباره خود معتقد بودند و

۲۰ / شفاعت خواهی از اولیاء خدا (بخش ۱)

می گفتند ما پیامبر زاده ایم و روز رستاخیز به همین جهت مورد شفاعت قرار خواهیم گرفت.<sup>۱</sup>

### گروه سوم

آیاتی است که صریحاً می گوید روز رستاخیز برای کافران، شفاعت کننده وجود ندارد و یا شفاعت، شفاعت کنندگان به حال آنان سودی نمی بخشد و آیات این قسمت عبارت اند از این سه آیه:

۱. ... يَقُولُ الَّذِينَ نَسُوهُ مِنْ قَبْلُ قَدْ جَاءَتْ رُسُلُ رَبِّنَا بِالْحَقِّ فَهَلْ لَنَا مِنْ شُفَعَاءَ فَيَشْفَعُوا لَنَا أَوْ نُرَدُّ فَنَعْمَلَ غَيْرَ الَّذِي كُنَّا نَعْمَلُ قَدْ خَسِرُوا أَنْفُسَهُمْ وَضَلَّ عَنْهُمْ مَا كَانُوا يَفْتَرُونَ<sup>۲</sup>؛ آنان که در دنیا روز رستاخیز را فراموش

---

۱. تفسیر کشاف، ج ۲، ص ۲۱۵؛ مجمع البیان، ج ۱، ص ۰۳.

۲. سوره اعراف، آیه ۵۳.

دوره یازدهم، شماره نهم / ۲۱

کرده بودند در آن روز بخود آمده و می‌گویند:  
رسولان پروردگار ما آمدند آیا شفاعت کنندگانی  
برای ما هست که برای ما شفاعت کنند و آیا (ممکن  
است) ما به دنیا برگردانده شویم تا غیر آنچه عمل  
می‌کردیم عمل کنیم (آنان باید بدانند آن روز کار از  
کار گذشته) و زیانکار خواهند بود و خویش را در  
معرض عذاب قرار داده‌اند و آنچه را بر خدا افترا  
می‌بستند (و می‌گفتند بت‌ها مقربان درگاه الهی  
هستند) به حالشان سودی نخواهد داشت.

از این آیه به خوبی استفاده می‌شود کسانی که  
به‌روز رستاخیز ایمان ندارند و آن روز را نادیده  
انگاشته و فراموش می‌کنند، از شفاعت،  
شفاعت کنندگان بهره‌ای نخواهند داشت.

۲۲ / شفاعت خواهی از اولیاء خدا (بخش ۱)

۲. إِذْ نُسَوِّكُمْ بِرَبِّ الْعَالَمِينَ \* وَمَا أَضَلَّنَا إِلَّا  
الْمُجْرِمُونَ \* فَمَا لَنَا مِنْ شَافِعِينَ \* وَلَا صَدِيقٍ حَمِيمٍ؛<sup>۱</sup>

(هنگامی که کافران با معبودهای خود در آتش  
دوزخ قرار می‌گیرند رو به معبودهای خود کرده  
می‌گویند: ما در گمراهی آشکار بودیم)، که شمارا با  
پروردگار جهانیان یکسان قرار می‌دادیم و ما را  
مجرمین گمراه کردند. پس نه برای ما شفاعت  
کننده‌ای هست و نه دوست مهربان.

۳. وَكُنَّا نَكْذِبُ بِيَوْمِ الدِّينِ \* حَتَّىٰ آتَانَا الْيَقِينَ \*  
فَمَا تَنْفَعُهُمْ شَفَاعَةُ الشَّافِعِينَ؛<sup>۲</sup>

---

۱. سوره شعراء، آیات ۱۰۱ - ۹۸.

۲. سوره مدثر، آیات ۴۸ - ۴۶.

دوره یازدهم، شماره نهم / ۲۳

روز رستاخیز را انکار می‌کردیم تا مرگ ما  
فرارسید. پس شفاعت کنندگان به حال آنان سودی  
نخواهد داشت.

مفسران در تفسیر این آیه می‌گویند: مقصود از  
شافعان در این آیه شافعان حقیقی هستند (نه شافعان  
پنداری مانند بت که گروه بت پرست آن‌ها را شافعان  
خویش می‌پنداشتند) و علت اینکه شفاعت شافعان  
حقیقی برای آن‌ها سودی ندارد این است که این افراد  
بر اثر کفر و انکار روز بازپسین شایسته شفاعت  
نمی‌باشند.

احتمال دارد مقصود از شافعان در این آیه  
شافعان پنداری آنان باشد. زیرا از سیاق آیات

## ۲۴ / شفاعت خواهی از اولیاء خدا (بخش ۱)

برمی آید که آنان بت پرست بوده اند (و بت ها را شفیع خود پنداشته اند).

در هر حال از این سه آیه که یاد شد استفاده می شود که شفاعت درباره کافران اثری ندارد یا به خاطر نبودن لیاقت در مورد شفاعت، یا در مورد شفاعت کننده و پنداری بودن آن و واضح است که نبودن شفیع و شفاعت برای کافران منافاتی با ثبوت آن برای اهل ایمان ندارد.<sup>۱</sup>

---

۱. سوره غافر، آیه ۱۸؛ «ما للظالمین من حمیم ولا شفیع یطاع»  
را می توان از همین گروه شمرد. زیرا از افراد بسیار روشن ظلم، کفر به خدا می باشد.



## گروه چهارم

آیاتی است که اعتقاد بت پرستان مبنی بر شفیع بودن بت‌ها را به باد انتقاد گرفته و به بی‌واقعیت بودن آن تصریح می‌کند.

مراجعه به تاریخ عرب جاهلیت و نیز به آیات قرآن مجید روشن می‌سازد که بت پرستان چنین می‌اندیشیدند که با پرستش بت‌های مصنوعی، می‌توانند رضایت و توجه آن‌ها را به خود جلب کنند تا در نتیجه آن بت‌ها شفیعان آنان باشند.

قرآن مجید نه تنها از پرستش بت‌ها نهی می‌کند، بلکه از اعتقاد به شفیع بودن آنان هم به شدت انتقاد می‌کند و توجه می‌دهد که این بت‌های سنگی و چوبی و غیره که مالک خیر و شر خویش نیستند،

۲۶ / شفاعت خواهی از اولیاء خدا (بخش ۱)

چگونه می‌توانند عذاب الهی را از دیگری دفع کنند.  
اینک آیات این گروه:

۱... وَمَا نَرَىٰ مَعَكُمْ شُفَعَاءَ كُمْ الَّذِينَ زَعَمْتُمْ  
أَنَّهُمْ فِيكُمْ شُرَكَاءَ ۚ لَقَدْ تَقَطَّعَ بَيْنَكُمْ وَصَلَٰ عَنْكُمْ مَا كُنْتُمْ  
تَرْعُمُونَ؛<sup>۱</sup>

به آنان گفته می‌شود: چرا شفیعان شما را که  
آن‌ها را در عبادت شریکان خدا می‌پنداشتید با شما  
نمی‌بینیم، پیوند شما با آنان قطع شده و آنچه درباره  
آنان تصور می‌کردید بی‌واقعیت از آب درآمد (آن‌ها  
نه شریک خدا بودند و نه شفیع شما).

۲. وَيَعْبُدُونَ مِن دُونِ اللَّهِ مَا لَا يَضُرُّهُمْ وَلَا يَنْفَعُهُمْ  
وَيَقُولُونَ هَؤُلَاءِ شُفَعَاؤُنَا عِنْدَ اللَّهِ ۚ قُلْ أَتُبَسِّئُونَ اللَّهَ بِمَا

دوره یازدهم، شماره نهم / ۲۷

لَا يَعْلَمُ فِي السَّمَاوَاتِ وَلَا فِي الْأَرْضِ سُبْحَانَهُ وَتَعَالَى  
عَمَّا يُشْرِكُونَ؛<sup>۱</sup>

موجوداتی را جز خدا، که نه زبانی و نه سودی  
به حال آنان دارند، می‌پرستند و می‌گویند: این‌ها  
شفیعان ما نزد خداوندند. بگو: آیا خبر می‌دهید به  
خدای جهان به آنچه او در آسمان‌ها و در زمین به آن  
علم ندارد؟ (و هر چه در علم خدا نباشد واقعیت  
ندارد). پیراسته و برتر است خدا از آنچه برای او  
شریک قرار می‌دهند.

۳. وَ لَمْ يَكُنْ لَهُمْ مِنْ شُرَكَائِهِمْ شُفَعَاءٌ وَ كَانُوا  
بِشُرَكَائِهِمْ كَافِرِينَ؛<sup>۲</sup>

---

۱. سوره یونس، آیه ۱۸.

۲. سوره روم، آیه ۱۳.

۲۸ / شفاعت خواهی از اولیاء خدا (بخش ۱)

روز قیامت آنان را که شریک خدا و شفیعان خویش می‌پنداشتند شفیعان آنان نخواهند بود و معبود بودن و شریک خدا بودن آنان را انکار خواهند کرد.

۴. اَمْ اتَّخَذُوا مِنْ دُونِ اللَّهِ شُفَعَاءَ قُلْ أُولَئِكَ كَانُوا لَآيْمِلُكُونَ شَيْئًا وَلَا يَعْقِلُونَ؛<sup>۱</sup>

بلکه آنان شفیعانی جز خدا اتخاذ کرده‌اند. بگو: آیا باینکه آنها مالک چیزی نیستند و عقل و شعور ندارند (باز آنها را شفیعان خود می‌پندارید)؟ این چهار آیه با توجه به قرائنی که در قبل و بعد آنها است، درصدد فهماندن این مطلب است که شفیع بودن بت‌ها و معبودهای پنداری واقعیت ندارد

---

۱. سوره زمر، آیه ۴۳.

دوره یازدهم، شماره نهم / ۲۹

و پنداری بیش نیست و انسان‌ها نباید از پیش خود به شفیع بودن چیزهائی که به تعبیر قرآن مجید عقل و شعور ندارند و مالک سود و زیان نیستند معتقد باشند و این گونه آیات به هیچ وجه دلالت بر نفی مطلق شفاعت نمی‌کند.<sup>۱</sup>

### گروه پنجم

آیاتی است که شفاعت را مختص به خدا می‌داند و می‌گوید: جز خدا شفیع نیست و شفاعت همگی مربوط به او است و آیات این قسمت عبارت‌اند از:

۱. وَأَنْذِرْ بِهِ الَّذِينَ يَخَافُونَ أَنْ يُحْشَرُوا إِلَىٰ رَبِّهِمْ<sup>۳</sup>  
لَيْسَ لَهُمْ مِنْ دُونِهِ وَلِيٌّ وَلَا شَفِيعٌ لَعَلَّهُمْ يَتَّقُونَ<sup>۲</sup>

---

۱. سوره یس، آیه ۲۳ هم جزو این گروه است.

۲. سوره انعام، آیه ۵۱.

۳۰ / شفاعت خواهی از اولیاء خدا (بخش ۱)

با این قرآن کسانی را که از بازگشت به سوی خدا ترس دارند بیم ده، برای آنان جز خدا حامی و شفיעی نیست. شاید آنان پرهیزکار گردند.

۲. وَذَرِ الَّذِينَ اتَّخَذُوا دِينَهُمْ لَعِبًا وَلَهْوًا وَعَرَّتْهُمْ  
الْحَيَاةُ الدُّنْيَا وَذَكَرَ بِهِ أَنْ تُبْسَلَ نَفْسٌ بِمَا كَسَبَتْ لَيْسَ لَهَا  
مِنْ دُونِ اللَّهِ وَلِيٌّ وَلَا شَفِيعٌ؛<sup>۱</sup>

کسانی را که دین خود را بازیچه و بیهوده قرار داده‌اند و زندگی دنیا آنان را فریفته است، واگذار و به وسیله قرآن به آنان یادآوری کن تا مبادا (کسی کارهای زشت انجام دهد و) تسلیم نتیجه اعمال خود شود در حالی که برای او جز خدا حامی و شفיעی نیست.

---

۱. سوره انعام، آیه ۷۰.

دوره یازدهم، شماره نهم / ۳۱

۳. مَا لَكُمْ مِّنْ دُونِهِ مِن وَلِيٍّ وَلَا شَفِيعٍ أَفَلَا تَتَذَكَّرُونَ؟<sup>۱</sup>

برای شما جز خداوند حامی و شفیع نیست.

چرا متذکر نمی‌شوید؟

۴. قُلْ لِلَّهِ الشَّفَاعَةُ جَمِيعًا طَلَبًا لَهُ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ  
وَالْأَرْضِ طَلَبًا ثُمَّ إِلَيْهِ تُرْجَعُونَ؟<sup>۲</sup>

بگو: همه شفاعت‌ها، مال خدا است و او مالک

آسمان‌ها و زمین است. سپس به‌سوی او بازگشت  
می‌کنید.

این گروه از آیات به‌روشنی می‌رساند که

شفاعت از آن خدا است و همه اش در دست اوست

---

۱. سوره سجده، آیه ۴.

۲. سوره زمر، آیه ۴۴.

## ۳۲ / شفاعت خواهی از اولیاء خدا (بخش ۱)

و کسی از پیش خود و بدون اذن خدا نمی تواند شفاعت کند.

ممکن است افراد غیر آگاه در مسائل مذهبی با دیدن آیه اخیر « قُلْ لِلَّهِ الشَّفَاعَةُ جَمِيعًا... » بگویند: باوجود چنین آیه ای که شفاعت را منحصر به خدا می داند چگونه می توان گفت روز رستاخیز غیر از خداوند شفاعت کنندگانی داریم.

پاسخ این پندار روشن است. زیرا گذشته از تحقیقی که پیرامون آیات نفی کننده شفاعت و اثبات کننده آن در صفحات آینده خواهیم خواند اگر به آیه قبل از این آیه مراجعه کنیم می بینیم هدف این آیه کوبیدن پندار غلط بت پرستان است که بت ها را



دوره یازدهم، شماره نهم / ۳۳

شفیعیان خود می‌پنداشتند. قرآن مجید برای ابطال  
پندار آنان می‌گوید:

أَمْ اتَّخَذُوا مِنْ دُونِ اللَّهِ شُفَعَاءَ قُلُ أُولَئِكَ مَا  
يَمْلِكُونَ شَيْئًا وَلَا يَعْقِلُونَ قُلْ لِلَّهِ الشَّفَاعَةُ جَمِيعًا لَهُ مُلْكُ  
السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ ثُمَّ إِلَيْهِ تُرْجَعُونَ؛

آنان شفیعانی جز خدا اتخاذ کرده‌اند به آنان  
بگو: آیا باینکه آن‌ها مالک چیزی نیستند و عقل و  
شعور ندارند (باز آن‌ها را شفیعان خود می‌پندارید)  
بگو: (آن‌ها شفیع نیستند و این پندار شما واقعیت  
ندارد) همگی شفاعت مال خداست (خدائی که)  
مالک آسمان‌ها و زمین است. سپس به سوی او  
بازگشت خواهید کرد.

### ۳۴ / شفاعت خواهی از اولیاء خدا (بخش ۱)

بنابراین باملاحظه آیه قبل روشن است که آیه درصدد بیان نفی شفیع بودن بت‌ها است نه اینکه بخواهد شفاعت را به طور مطلق نفی کند بلکه می‌خواهد بگوید شفاعت مال خدا است و هیچ‌کسی پیش خود و بدون اذن او نمی‌تواند شفاعت کند و بت‌ها لیاقت شفاعت کردن ندارند.

#### گروه ششم

آیاتی است که با صراحت یا اشاره، شفاعت غیر خدا را در محکمه الهی به‌عنوان یک اصل مسلم پذیرفته است. ولی با یک قید و آن اذن خدا به شفاعت کننده که شفاعت کند و نیز اذن او به اینکه شفیع درباره چه کسی شفاعت کند. زیرا از این آیات برمی‌آید که هیچ‌کس بدون اذن خدا نمی‌تواند شفاعت کند و

دوره یازدهم، شماره نهم / ۳۵

کسانی مقام شفاعت را دارا هستند که از طرف خدا مأذون باشند و نیز همان کسانی که مقام شفاعت را دارا هستند در هیچ موردی بدون اذن خدا نمی‌توانند شفاعت نمایند.

۱. من ذا الذی یشفع عنده الا باذنه؛<sup>۱</sup>

کیست که بدون اذن خدا شفاعت کند؟ ظاهر این آیه این است که هیچ کس بدون اذن او شفاعت نمی‌کند.

۲. ما من شفیع الا من بعد اذنه؛<sup>۲</sup>

شفیعی نیست، جز به اذن خدا.

---

۱. سوره بقره، آیه ۲۵۵.

۲. سوره یونس، آیه ۳.

۳۶ / شفاعت خواهی از اولیاء خدا (بخش ۱)

۳. یَوْمَئِذٍ لَا تَنْفَعُ الشَّفَاعَةُ إِلَّا مَنْ أَذِنَ لَهُ الرَّحْمَنُ  
وَرَضِيَ لَهُ قَوْلًا؛<sup>۱</sup>

روز رستاخیز شفاعت کسی برای کسی سودمند نیست. مگر شفاعت کسی که خدا به او اذن شفاعت کردن را داده باشد و به گفتار او راضی باشد و ممکن است مفاد آیه این باشد:

روز رستاخیز شفاعت شفاعت کنندگان برای هیچ کس سودمند نیست. جز آن که خدا به شفاعت شدن او اذن داده باشد و به گفتار او راضی باشد (البته این احتمال ضعیف است).

در هر صورت اثبات اصل شفاعت به اذن خدا از آیه استفاده می شود.

---

۱. سوره طاهّا، آیه ۱۰۹.

دوره یازدهم، شماره نهم / ۳۷

۴. وَلَا تَنْفَعُ الشَّفَاعَةُ عِنْدَهُ إِلَّا لِمَنْ أَذِنَ لَهُ؛<sup>۱</sup>

شفاعت هیچ شفاعت کننده ای نزد خدا سودمند نمی باشد جز شفاعت، شفاعت کننده ای که خدا به او اذن شفاعت دهد.

ممکن است معنای آیه این باشد:

شفاعت هیچ شفاعت کننده ای نزد خدا سودمند نمی باشد، جز برای کسی که خدا برای شفاعت شدن او اذن داده باشد.

۵. وَكَمْ مِّن مَّلَكٍ فِي السَّمَاوَاتِ لَا تُغْنِي شَفَاعَتُهُمْ شَيْئًا إِلَّا مَن بَعْدَ أَنْ يَأْذَنَ اللَّهُ لِمَن يَشَاءُ وَيَرْضَى؛<sup>۲</sup>

---

۱. سوره سبأ، آیه ۲۳.

۲. سوره نجم، آیه ۲۶.

## ۳۸ / شفاعت خواهی از اولیاء خدا (بخش ۱)

چقدر فرشتگانی در آسمان‌ها هستند که شفاعت آنان سودمند نیست. جز بعد از این که خدا به هر کسی که بخواهد و راضی باشد، اذن شفاعت کردن (یا شفاعت شدن) بدهد. از این پنج آیه به خوبی برمی آید که در شفاعت با اذن خدا جای هیچ گونه تردیدی نیست و اگر آیه‌ای شفاعت را نفی کند، منظور شفاعت بدون اذن خدا است.

### گروه هفتم

آیاتی است که با صراحت هر چه کامل تر اثبات شفاعت را اعلام می کند، هر چند آن را از نظر «شفیع» و «مشفوع» یعنی شفاعت کننده و شفاعت شونده محدود و مشروط می داند.

دوره یازدهم، شماره نهم / ۳۹

۱. وَلَا يَمْلِكُونَ الشَّفَاعَةَ إِلَّا مَنِ اتَّخَذَ عِنْدَ الرَّحْمَنِ عَهْدًا؛<sup>۱</sup>

هیچ‌یک از معبودهای آنان مالک شفاعت نیستند. مگر باخدا عهدی داشته باشند.

یعنی تنها گروهی می‌توانند شفاعت کنند که خداوند به آن‌ها قول شفاعت داده و آنان باخدا چنین عهدی داشته باشند.

ممکن است معنای آیه این باشد که:

هیچ‌کس مالک شفاعت نیست. مگر آن‌که باخدا در این باره عهدی داشته باشد.

۲. وَلَا يَمْلِكُ الَّذِينَ يَدْعُونَ مِنْ دُونِهِ الشَّفَاعَةَ إِلَّا مَنْ شَهِدَ بِالْحَقِّ وَهُمْ يَعْلَمُونَ؛<sup>۱</sup>

## ۴۰ / شفاعت خواهی از اولیاء خدا (بخش ۱)

کسانی که جز خدا مورد پرستش واقع می‌شوند (مانند بت‌ها و فرشتگان و مسیح (علیه‌السلام) هرگز مالک شفاعت نیستند مگر آن گروه که به حق گواهی دهند و به آن عالم باشند.

جمله « **وَلَا يَمْلِكُ الَّذِينَ يَدْعُونَ مِنْ دُونِهِ**

**الشَّفَاعَةَ** » حاکی است که جز خدا هیچ معبودی اعم از فرشته و انسان و غیره مالک شفاعت نیست.

و جمله « **إِلَّا مَنْ شَهِدَ بِالْحَقِّ وَهُمْ يَعْلَمُونَ** » آن

معبودهایی را که خود به یگانگی خدا و بندگی خویش گواهی می‌دهند استثنا می‌کند مانند فرشتگان

---

۱. سوره زخرف، آیه ۸۶، در این آیه ضمیر منفصل (یدعون) که مفعول آن است حذف شده است و تقدیر کلام چنین است: یدعونهم.



دوره یازدهم، شماره نهم / ۴۱

و حضرت مسیح (علیه السلام) که معبودهای گروهی از مردم می‌باشند. اما خود بر بندگی خویش و وحدانیت خدا گواهی می‌دهند.

بنابراین از این آیه هم به روشنی استفاده می‌شود که اصل شفاعت قابل تردید نیست. گرچه شفاعت کننده محدود به افراد معین باشد.

۳. وَقَالُوا اتَّخَذَ الرَّحْمَنُ وَلَدًا سُبْحَانَهُ بَلْ عِبَادٌ مُّكْرَمُونَ \* لَا يَسْبِقُونَهُ بِالْقَوْلِ وَهُمْ بِأَمْرِهِ يَعْمَلُونَ \* يَعْلَمُ مَا بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَمَا خَلْفَهُمْ وَلَا يَشْفَعُونَ إِلَّا لِمَنِ ارْتَضَىٰ وَهُمْ مِنْ خَشِيَّتِهِ مُّشْفِقُونَ؛<sup>۱</sup>

و گفتند خداوند (از فرشتگان) فرزندانی برای خود انتخاب کرده است، (خدای متعال) از چنین

## ۴۲ / شفاعت خواهی از اولیاء خدا (بخش ۱)

نقصی منزّه است بلکه آنان بندگان گرامی خدا هستند، هرگز بر فرمان او سبقت نمی‌گیرند و آنان به امر او عمل می‌کنند، خداوند از پیش رو و پشت سر آنها آگاه است و آنان جز درباره کسانی که موردپسند خدا باشند شفاعت نمی‌کنند و آنان از خشیت خدا هراسان هستند.

دقت در آیات گروه ششم و هفتم ما را به نکات زیر راهنمایی می‌کند:

۱. گروهی در روز رستاخیز به‌طور قطع و یقین با شرایطی شفاعت خواهند شد.

۲. یکی از شرایط نفوذ شفاعت اذن الهی است هم درباره شفاعت کننده و هم درباره شفاعت شونده «إِلَّا بَاذَنَّهُ».

دوره یازدهم، شماره نهم / ۴۳

۳. شفاعت کننده خود باید به یگانگی خدا و

بندگی خویش گواهی دهد «إِلَّا مَنْ شَهِدَ بِالْحَقِّ...».

۴. شفاعت کننده باید پیمان شفاعت با خداوند

داشته باشد «الَا مِنْ اتَّخَذَ عِنْدَ الرَّحْمَنِ عَهْدًا».

۵. درخواست شفاعت آمیخته با سخنی که

خشم خدا را برمی‌انگیزد نباشد «و رضى له قولا» و

شاید مقصود این باشد که درباره افرادی که شایستگی

شفاعت شدن را ندارند مانند مشرکین درخواست

شفاعت نکند.

۶. شفاعت شونده باید مورد رضایت خدا باشد

«الَا لِمَنْ ارْتَضَى».

در پایان از یادآوری چند نکته ناگزیریم:

۴۴ / شفاعت خواهی از اولیاء خدا (بخش ۱)

برخی از مفسران اسلامی «الا»های واقع در

آیه‌های زیر از گروه هفتم را:

وَلَا يَمْلِكُونَ الشَّفَاعَةَ إِلَّا مَنِ اتَّخَذَ عِنْدَ الرَّحْمَنِ

عَهْدًا؛

وَلَا يَمْلِكُ الَّذِينَ يَدْعُونَ مِنْ دُونِهِ الشَّفَاعَةَ إِلَّا مَنْ

شَهِدَ بِالْحَقِّ وَهُمْ يَعْلَمُونَ؛

به نحو دیگری تفسیر کرده اند توضیح اینکه:

ما در گذشته این استثناها را مربوط به شفیع

دانستیم و گفتیم که مقصود از «من» شفیعان می‌باشند

و چنین معنا کردیم که کسانی که با خدا پیمان شفاعت

دارند و کسانی که به حق گواهی می‌دهند می‌توانند

شفاعت کنند.

اما برخی احتمال دیگر داده‌اند و آن اینکه

مقصود از «من» شفاعت شوندگان باشند نه شفاعت

دوره یازدهم، شماره نهم / ۴۵

کنندگان و بنابراین شفاعت شونده باید دو شرط مذکور را دارا باشد. یعنی با خدا پیمان شفاعت داشته باشد و به حق گواهی دهد.

البته این تفسیر از نظر صحت و استواری در درجه دوم قرار دارد.<sup>۱</sup>

۲. شفاعت کنندگان در روز رستاخیز از خود استقلال ندارند و به اذن خدا شفاعت می کنند و در حقیقت مجریان اوامر خدا و مظهر اراده حکیمانه او می باشند و ما هرگز شفیعیانی که خودسر، بدون اذن خدا امر و نهی صادر کنند نداریم و از این رو در این

---

۱. همین دو احتمال در برخی از آیات گروه ششم هم گفته شده است.

٤٦ / شفاعت خواهی از اولیاء خدا (بخش ١)

عقیده هیچ گونه شائبه شرک به خدا و شریک قرار  
دادن برای او نیست.

پایان